

اثر الگوی ارتباطی خانواده بر گرایش به مصرف مواد با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در بین دانشجویان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

سارا علانی خرایم^۲، سجاد بشرپور^۳، نادر حاجلو^۴، محمد نریمانی^۵

از صفحه ۲۹ تا ۵۶

چکیده

زمینه و هدف: گرایش به مصرف مواد، در وضعیت کنونی جهان معضل بزرگی است که به استعداد افراد در گرفتاری آنان به دام اعتیاد اشاره می‌نماید و می‌تواند متأثر از عوامل و پیشایندهای مختلفی باشد. هدف این پژوهش بررسی اثر الگوی ارتباطی خانواده بر گرایش به مصرف مواد با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در بین دانشجویان است. **روش‌شناسی:** این مطالعه با توجه به هدف پژوهش از نوع مطالعات کاربردی و از جهت روش گردآوری اطلاعات نیز به روش پیمایشی و از انواع طرح‌های همبستگی و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ با حجم نمونه ۳۴۷ نفر و نحوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده؛ پرسشنامه سرمایه روانشناختی لوتانز و مقیاس پذیرش اعتیاد وید استفاده شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS 22 و لیززل با استفاده از آزمون مدل‌یابی علی و روش تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: طبق نتایج به دست آمده، بین جهت‌گیری گفت‌و شنود (-۰/۵۲)، جهت‌گیری همنوایی (۰/۵۹) و خودکارآمدی (۰/۱۲) با گرایش به مصرف مواد رابطه وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). ارزیابی مدل با تمامی شاخص‌های برازش در مجموع نشان از برازش قابل قبول و مناسب داده‌ها با مدل ($RMSEA = ۰/۰۷$) و ($CFI = ۰/۹۲$) داشتند. در واقع، اثر مستقیم جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی بر گرایش به مصرف مواد تأیید می‌شود. همچنین، اثر غیرمستقیم جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی از طریق خودکارآمدی تأیید می‌شود. **نتیجه‌گیری:** از آنجا که الگوی ارتباطی خانواده هم به صورت مستقیم و هم از طریق متغیر خودکارآمدی بر گرایش به مصرف مواد دانشجویان اثر دارد، تلاش برای ارتقای خودکارآمدی دانشجویان و توجه به الگوهای ارتباطی خانواده در جهت پیشگیری و کاهش گرایش دانشجویان به مصرف مواد اثربخش خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: گرایش به مصرف مواد، الگوی ارتباطی خانواده، جهت‌گیری گفت‌و شنود، جهت‌گیری همنوایی، خودکارآمدی.

۱ - این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته روانشناسی در دانشگاه محقق اردبیلی است.

۲ - دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: alaei.sarah88@gmail.com

۳ - استاد گروه روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: basharpoor_sajjad@yahoo.com

۴ - استاد گروه روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: hajloo53@uma.ac.ir

۵ - استاد گروه روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. رایانامه: narimani@uma.ac.ir

مقدمه

اعتیاد با قدمت و تاریخچه‌ای طولانی، از سالیان سال تاکنون مسئله مهم و عمده‌ای در سراسر دنیا بوده و یکی از رایج‌ترین رفتارهای پرخطر جوانی محسوب می‌شود. مصرف مواد، الگویی بیمارگون از رفتارهای مرتبط با مواد مخدر و در نتیجه مصرف پیاپی یک ماده طبیعی یا مصنوعی است، به طوری که فرد از نظر جسمی و روانی به آن ماده وابسته می‌شود (سادوک^۱ و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶۶). که پس از وابسته شدن، مشکلات و عواقب بسیار زیادی را برای خود فرد، خانواده و جامعه به دنبال دارد. از این رو، شناسایی عوامل خطرآفرین و مستعدکننده فرد برای مصرف مواد و جلوگیری از ایجاد چنین وابستگی مخربی، به عنوان خط اول اقدامات، در اولویت بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین، یکی از عوامل خطرسازی که بررسی آن باید در بین جوانان به ویژه دانشجویان مهم و ضروری تلقی شود، گرایش به مصرف مواد است. چرا که بسیاری از دانشجویان بلافاصله پس از دبیرستان، بدون داشتن مهارت‌های لازم برای مقابله با مشکلات وارد دانشگاه شده و باید با تجارب جدید، عوامل فشارزای مختلف و مشکلات دوری از خانه و والدین خود، به تنهایی مواجه شوند و همین عامل می‌تواند آنان را مستعد استفاده از روش‌های ناسالم مقابله با فشارهای روانی از قبیل مصرف مواد سازد. علاوه بر این، اهمیت پرداختن به معضل مصرف مواد زمانی بیش از پیش احساس می‌شود که شیوع آن روز به روز بالاتر رود که طبق آمارهای مختلف جهانی و ملی چنین است. به طوری که طبق گزارش «دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد»^۲ در سال ۲۰۱۹، متوسط تعداد افراد مصرف کننده مواد در جهان به نسبت سال ۲۰۰۹، ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹) و در ایران نیز، نرخ شیوع مصرف مواد مخدر ۵/۴ بوده (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰) که حدود ۴۵ درصد مصرف‌کنندگان زیر ۲۹ سال دارند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۹).

شواهد علمی نشان می‌دهد که رشد این بیماری و بلای خانمان‌سوز، نتیجه تعامل پیچیده چندین عامل گسترده از جمله عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است

1- Sadock

2- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

که یکی از مهمترین عوامل خطرساز، از اولین اجتماعی ناشی می‌شود که فرد در آن رشد و پرورش می‌یابد، بایدها و نبایدهای اخلاقی، برقراری روابط و مسائل گوناگون و مهارت‌ها را آموخته و ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها، گرایش‌ها و آمادگی‌های لازم را در آنجا یعنی خانواده کسب می‌کند. زمانی که خانواده نتواند به درستی کارکردهای خود را ایفا نماید، ساختار خانواده دارای مشکلاتی در سازماندهی قدرت و مرزهای اعضا داشته، صمیمیت بین افراد کم‌رنگ و ارتباط اعضای خانواده باهم مختل باشد یا فرزندان همه روزه شاهد بروز کشمکش‌ها و تعارضات بوده و خانه را به مثابه میدان جنگ و درگیری بدانند، از بیان خواسته‌ها و نیازهای خود به شیوه صحیح عاجز شده، ویژگی‌های مثبت شخصیتی در آنان امکان رشد نیافته، افراد عاصی یا ضعیفی بار می‌آیند که بی‌شک مهارت‌های لازم برای مقابله با مشکلات زندگی را ندارند و همین امر می‌تواند زمینه را برای گریز از خانه، پرهیز از برقراری ارتباط با اعضای خانواده، پناه آوردن به گروه دوستان و همسالان و در نهایت تسلیم در برابر مصرف مواد مستعد سازد. از این رو، الگوهای ارتباطی خانواده^۱ و میزان ارتباط مطلوب فرد با والدین می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل محافظت‌کننده و یا خطرساز خانوادگی در گرایش به مصرف مواد مطرح باشد که از طریق شکل‌دهی شخصیت افراد، پیامدهای مهمی برای زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها خواهد داشت. همچنین، به نظر می‌رسد یکی از متغیرهای فردی که تحت تأثیر روابط خانوادگی قرار می‌گیرد، سازه‌ی خودکارآمدی^۲ است که از مهمترین مولفه‌های خودآگاهی بوده و می‌تواند فرد را در برابر مصرف مواد و سایر آسیب‌های اجتماعی محافظت کند.

بنابراین، با توجه به این که شیوع گرایش به مصرف مواد در دانشجویان بالا بوده و تعداد قابل توجهی از افراد، مصرف مواد را پس از ورود به دانشگاه تجربه می‌کنند؛ گروه دانشجویان را می‌توان گروه در معرض خطر تلقی نمود. همچنین، از آنجا که در گستره عوامل بسیاری که در گرایش افراد به مصرف مواد دخیل هستند، مهمترین تأثیر را پیشایندهای خانوادگی و فردی بر عهده دارند و با توجه به کمبود پژوهش‌های تلفیقی و ارائه مدل تبیینی گرایش به مصرف مواد، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش

1- Family Communication Patterns

2- Self-Efficacy

است که اثر الگوی ارتباطی خانواده بر گرایش به مصرف مواد با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در بین دانشجویان چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گرایش به مصرف مواد^۱

نظریه استعداد یا آمادگی به اعتیاد و یا گرایش به مصرف مواد، بیان می‌کند که برخی افراد مستعد مصرف مواد بوده، گرایش بیشتری به آن داشته، در خصوص مصرف مواد دچار مشغولیت ذهنی زیادی بوده و در صورتی که در معرض مواد قرار گیرند، احتمال بیشتری وجود دارد که در دام اعتیاد بیفتند. برخلاف تصور بسیاری از مردم که معمولاً دلیل گرایش به مواد را به یک عامل نسبت می‌دهند، این مسأله پدیده‌ای پیچیده با عوامل و دلایل مختلف است (فرنیا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۲۹). در سال‌های اخیر، یکی از مهمترین دستاوردها در حوزه نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری برنامه‌های پیشگیری در زمینه سوءمصرف مواد، تأکید بر پیشایندهای فردی و محیطی به منزله یک چهارچوب توصیفی و پیش‌بین است (رزالی و کلیور^۲، ۲۰۱۵: ۱۵۱).

بوتوین^۳ در زمینه عوامل خطر ساز و محافظت کننده مصرف مواد، مجموعه‌ای از عوامل را تحت عنوان الگوی تلفیقی مصرف مواد برای آغاز مصرف مطرح نمود. در این مدل جامع، شروع مصرف مواد، الکل و سیگار و... تلفیق شده و بر اساس آن، بروز رفتارهای پرخطر نتیجه تعامل پویای مجموعه عوامل محیطی و فردی است که در آن، والدین در تعامل با آسیب‌پذیری‌های روانشناختی فرد قرار دارند. طبق این الگو، افراد با ارتباطات خانوادگی و مهارت‌های اجتماعی ضعیف در صورت عدم توانمندی فردی از جمله عزت نفس و خودکارآمدی، تحت تأثیر نفوذ اجتماعی قرار گرفته و مستعد آغاز مصرف مواد هستند (بوتوین، ۲۰۰۰: ۸۸۸).

جسور و جسور^۴ (۱۹۹۷) نظریه جامعی در مورد علل رفتارهای مشکل‌ساز نظیر مصرف مواد، الکل و رفتارهای بزهکارانه تحت عنوان نظریه رفتار مشکل‌ساز ارائه

1- Substance Use Tendency

2- Razali & Kliewer

3- Botvin

4- Jessor & Jessor

نموده‌اند که طبق آن، نوجوانانی که مستعد یک رفتار مشکل‌ساز باشند، مساعد سایر رفتارها نیز هستند. بر اساس این نظریه، رفتار مصرف مواد در نتیجه تعامل سه حوزه عوامل شخصیتی، عوامل محیطی و سیستم‌های رفتاری فرد است. در حوزه عوامل شخصیتی، افرادی که احساس طردشدگی داشته باشند یا دارای عزت نفس و خودکارآمدی ضعیفی باشند، برای انجام رفتارهای مشکل‌ساز مستعدترند. در حوزه عوامل محیطی، ارتباط ضعیف با والدین موجب برقراری ارتباط بیشتر با همسالان شده و نهایتاً افرادی که معتقد باشند سودمندی مصرف مواد از آثار زیان بار آن بیشتر است، گرایش بیشتری به مصرف خواهند داشت (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴).

در فهرستی که توسط موسسه ملی سوءمصرف مواد^۱ (۲۰۱۵) منتشر شده هشت عامل را به شرح زیر به عنوان پیشایندهای گرایش به مصرف مواد مطرح کرده‌اند: ۱- محیط خانوادگی آشفته و خصوصاً خانه‌ای با والدین مصرف‌کننده یا مبتلا به بیماری روانی ۲- تعاملات ناکارآمد والدین ۳- فقدان دل‌بستگی متقابل والدین در پرورش فرزند ۴- احساس خجالت و رفتارهای پرخاشگرانه در کلاس درس ۵- ناکامی، عدم اعتماد به نفس و احساس حقارت ۶- مهارت‌های اجتماعی و سازگاران ضعیف ۷- برقراری رابطه با همسالان منحرف یا همسالانی با گرایش به رفتارهای انحرافی ۸- قابل قبول پنداشتن مصرف مواد در محیط مدرسه، بین همسالان و در محیط اجتماعی.

الگوهای ارتباطی خانواده

ویرجینیا ستیر در پی مطالعات خود دریافت که «عنصر ارتباط» در نظام خانواده، بسیار تعیین‌کننده و تأثیرگذار بوده و در واقع، اهمیت «ارتباط»^۲ به قدری است که سنگ زیربنای بهزیستی کل خانواده عنوان شده است. الگوهای ارتباطی خانواده به شیوه‌های رد و بدل اطلاعات کلامی و غیرکلامی بین اعضاء خانواده اطلاق می‌شود و از خانواده‌ای به خانواده دیگر متفاوت است (بکر و افثانوران^۳، ۲۰۱۶: ۳۴). شناخت انواع مختلف الگوها و سبک‌های ارتباطات خانوادگی علاوه بر توصیف، به پیش‌بینی و توضیح عملکرد خانواده کمک می‌کند. طبق تحقیقات، مشاهده شده الگوهای ارتباطی

1- National Institute of Drug Abuse (NIDA)

2- Communication

3- Bakar & Afthanorhan

آشفته بر سلامت روان اعضای خانواده اثر چشمگیری دارد. ریچی و فیتزپاتریک^۱ (۱۹۹۰) دو بُعد را برای الگوهای ارتباطات خانواده با عنوان «جهت‌گیری گفت‌ووشنود^۲» و «جهت‌گیری همنوایی^۳» معرفی می‌کنند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴: ۱۶۹). جهت‌گیری گفت‌ووشنود به شرایطی گفته می‌شود که در آن، همه اعضای خانواده به شرکت آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات تشویق شوند؛ و جهت‌گیری همنوایی به شرایطی گفته می‌شود که خانواده‌ها به همسانی نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید تأکید داشته باشند. خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت‌ووشنود، برای در میان گذاشتن عقاید خود با یکدیگر ارزش قائلند. والدین چنین خانواده‌هایی ارتباطات مکرر خود با فرزندان را وسیله‌ای مهم برای تربیت کردن و اجتماعی کردن آن‌ها می‌دانند. برعکس خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌ووشنود اندک، معتقدند تبادل مکرر، آزاد و راحت عقاید و ارزش‌ها به طور کلی برای خانواده و به ویژه برای تربیت و اجتماعی کردن فرزندان ضرورتی ندارد. زمانی که پیامی ارائه می‌شود، فرزندان خانواده‌هایی که با جهت‌گیری گفت‌ووشنود زیاد، بیشتر تحت تأثیر کیفیت بحث و تبادل نظر (یعنی، ساختار و کیفیت شواهد حمایت‌کننده) قرار می‌گیرند. اما تعاملات در خانواده‌های دارای جهت‌گیری همنوایی بر مبنای همگونی، اجتناب از تعارض، وابستگی متقابل اعضای خانواده به یکدیگر و در کل، حرف شنوی افراد از والدین و دیگر بزرگسالان است. در صورتی که تعاملات خانوادگی با جهت‌گیری همنوایی کم، بر اهمیت دادن به نگرش‌ها و عقاید، فردیت و استقلال اعضای خانواده تمرکز دارد و ارتباطات بین دو نسل منعکس‌کننده برابری اعضای خانواده است. در این خانواده‌ها فرزندان معمولاً در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند (کورشنیا و لطیفیان، ۱۳۸۶: ۸۵۹). در حالی که جهت‌گیری همنوایی وسیع با ساختار خانواده‌های سنتی، منسجم و دارای سلسله مراتب ارتباط دارد. در چنین ساختارهایی اعضای خانواده به روابط درون خانواده اهمیت بیشتری از روابط بیرون خانواده قائل هستند. آن‌ها توقع دارند منابعی از قبیل پول، فضا و مکان در بین اعضای خانواده تقسیم شود. اعضای خانواده از یکدیگر انتظار دارند تا نسبت به علایق خانواده، علایق خود را در درجه دوم اهمیت قرار دهند. در این

1- Ritchie & Fitzpatrick

2- Conversation Orientation

3- Conformity Orientation

خانواده‌ها از فرزندان انتظار می‌رود تا مطابق با خواسته‌های والدین رفتار کنند. زمانی که پیامی ارائه می‌شود فرزندان خانواده‌های با جهت‌گیری هم‌نوایی زیاد بیش‌تر تحت تأثیر وضعیت اجتماعی منبع پیام قرار می‌گیرند. برعکس، خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوایی کم به ساختار سنتی اعتقادی نداشته و روابط بیرون از خانواده به اندازه روابط درون خانواده برایشان مهم است. این خانواده‌ها رشد شخصی اعضای خانواده را تشویق می‌کنند، حتی اگر این کار منجر به شکل‌گیری روابط قوی آن‌ها در بیرون خانواده و تضعیف ساختار خانواده شود. این خانواده‌ها به استقلال اعضای خانواده بها می‌دهند. برای حریم شخصی ارزش قائلند و علائق شخصی نسبت به علائق خانواده، در درجه اول اهمیت قرار دارد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴: ۱۷۱).

خودکارآمدی

منشأ پیدایی خودکارآمدی، پژوهش و نظریه شناختی اجتماعی بندورا^۱ است و به عنوان «باور (اطمینان) فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت در انجام وظیفه‌های معین از راه ایجاد انگیزه در خود، تأمین منابع شناختی برای خود و نیز ایفای اقدامات لازم» تعریف می‌شود (بندورا، ۱۹۹۳: ۱۲۰). خودکارآمدی بالا فرد را در مقابل انواع مشکلات و مسائل زندگی، فشارهای روانی مقاوم کرده و به عنوان عاملی است که می‌تواند درک و تفسیر و واکنش‌های هیجانی فرد را تحت تأثیر قرار داده و عاملی تعیین‌کننده در میزان استرس‌زایی رویدادهای زندگی باشد که با رفتارهای شکل گرفته در نظام خانواده در ارتباط است (آماتو و فلور^۲، ۲۰۰۲: ۷۰۴).

نقش والدین در تقویت یا کاهش خودکارآمدی فرزندان بسیار اساسی است، به طوری که نحوه صحبت، قضاوت و مراقبت از فرزندان، در شکل‌گیری عزت‌نفس و خودکارآمدی تأثیری به‌سزا دارد. افراد باورهای خودکارآمدی را به عنوان نتیجه تشویق‌ها و حمایت‌های اجتماعی که از دیگران به ویژه والدین دریافت می‌کنند، شکل و گسترش می‌دهند. تشویق‌های اجتماعی و پیشنهاد‌های کلامی می‌توانند به افراد کمک کنند تا تلاش بیشتری به کار ببرند و پشتکار موردنیاز برای موفقیت را تداوم بخشند و این امر به رشد پیوسته مهارت‌ها و کارآمدی شخصی منجر می‌شود (بندورا، ۱۹۹۳: ۱۲۱).

1- Bandura Social Cognitive Theory

2- Amato & Fowler

بر اساس نظر بندورا، رفتار سوءمصرف مواد مخدر از یک سو، به وسیله الگوبرداری، تقلید و تقویت در حوزه روابط بین فردی به ویژه در بافت خانواده آموخته می‌شود و از سوی دیگر تحت تأثیر عوامل درون فردی نظیر خودکارآمدی و باورهای فردی قرار می‌گیرد (بندورا، ۱۹۹۳: ۱۲۲).

بنابراین، هیچ عاملی به تنهایی شرط لازم و کافی برای مصرف مواد نیست و ترکیبی از عوامل گوناگون موجب گرایش فرد به مصرف مواد می‌شوند (فرنیا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۲۹). با توجه به شیوع بالای مصرف مواد، پژوهش در خصوص عوامل پیشگیری‌کننده و محافظت‌کننده که فرد را در برابر گرایش به مصرف مواد مصون بدارد، بسیار ضروری به نظر می‌رسد و به همین دلیل، تدوین راهبردهای اثربخش برای جلوگیری از آسیب‌های ایجاد شده به واسطه گرایش به مصرف مواد باید در دستورکار قرار داشته باشد (گرن^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۶۸). یکی از مدل‌های مورد توجه و محبوب در سال‌های اخیر، مدل عوامل خطر ساز و محافظت‌کننده است. طبق این مدل نظری، مصرف مواد در نوجوانان و جوانان را می‌توان بر اساس انواع متنوعی از عوامل خطر ساز و محافظت‌کننده پیش‌بینی کرد. شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش به مصرف مواد و سایر رفتارهای پرخطر باید از دغدغه‌های اساسی متولیان تعلیم و تربیت باشد. با در نظر گرفتن گستره و سن ارتکاب رفتارهای مخاطره‌آمیز و اعتیاد به مواد در سال‌های گذشته و شرایط جدید پیش‌روی محققان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، نیازمند مداخلات پیشگیری وسیعی هستیم. به‌منظور پیشگیری مؤثر، به نظر می‌رسد که شناخت و درک علل رفتار، ضروری است.

در این زمینه، تحقیقات در داخل و خارج از کشور نشان‌دهنده نقش ارتباطات خانوادگی در گرایش به مصرف مواد فرزندان است. محمدخانی (۱۳۸۶) در پژوهشی با موضوع «مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر: ارزیابی اثر مستقیم و غیرمستقیم عوامل فردی و اجتماعی»، نشان داد که متغیر نهفته خانواده، قوی‌ترین عامل تأثیرگذار بر مصرف مواد افراد است و گرایش به مصرف مواد می‌تواند به وسیله ویژگی‌های شخصیتی منبعت از خانواده پیش‌بینی گردد. بسیاری از پژوهش‌ها تأثیر منفی اضطراب و استرس را بر سلامت جسمی نشان می‌دهند و این در حالی است که در تحقیقات متعدد جهت‌گیری گفت‌و شنود، به صورت منفی و معنادار اضطراب را

پیش‌بینی می‌کند. کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده» نشان دادند جهت‌گیری گفت‌وشنود، سلامت جسمانی فرزندان را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. از سویی دیگر جهت‌گیری همنوایی می‌تواند به صورت مثبت و معنادار اضطراب و استرس را پیش‌بینی کند که باتوجه به اینکه استرس با سلامت جسمانی رابطه منفی دارد، پس جهت‌گیری همنوایی نیز می‌تواند با سلامت جسمانی رابطه منفی داشته باشد. یحیی‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل خانوادگی بر گرایش افراد به سومصرف مواد مخدر» به اهمیت روابط خانواده پرداخته و نشان داد که روابط عاطفی ضعیف در بین اعضای خانواده می‌تواند منجر به انحراف افراد و کشیده شدن آنان به سمت مصرف مواد شود. رشیدی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه‌ی علی استعداد اعتیاد از طریق طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سرمایه روان‌شناختی و نیازهای اساسی روان‌شناختی با میانجیگری الگوهای ارتباطی خانواده» بین خرده مقیاس‌های خود کارآمدی، تاب‌آوری و ارتباط با استعداد اعتیاد رابطه منفی به دست آوردند که نشان داد این متغیرها، توانایی پیش‌بینی استعداد اعتیاد را دارند. ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اثر بخشی آموزش حل مسئله اجتماعی بر خود کنترلی، خودکارآمدی و تکانشوری در دانش آموزان دارای استعداد اعتیاد» دریافتند که افراد دارای استعداد اعتیاد، خودکارآمدی و عزت نفس و جرأت‌ورزی پایینی دارند اما آموزش مهارت‌های حل مسئله اجتماعی با افزایش خودکارآمدی و عزت نفس، می‌تواند گرایش مصرف مواد را کاهش دهد. چرا که افراد دارای خودکارآمدی بالا و خودپنداره مثبت، بهتر می‌توانند از توانمندی‌های فردی و اجتماعی خود برای مقابله با مشکلات و امتناع از مصرف مواد استفاده نمایند، در نتیجه کمتر به مصرف الکل، سیگار و سایر مواد می‌پردازند. فریور و میرهاشمی (۱۳۹۷) در پژوهشی که تحت عنوان «پیش‌بینی احتمال روی آوری مجدد به مصرف مواد مخدر براساس تاب‌آوری و الگوهای ارتباطی همسران افراد معتاد» انجام دادند، توانستند مصرف مواد مخدر افراد را براساس الگوی ارتباطی گفت‌وشنود پیش‌بینی کنند. همچنین، دریافتند با کاهش نمره همسران در این متغیر شانس روی آوری مجدد به مصرف مواد افزایش می‌یابد و برای کاهش روی آوری به مواد باید الگوهای ارتباطی را بهبود بخشید. متولیان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی که

درخصوص مقایسه نارضایتی جوانان از کیفیت ارتباط با پدر و مادر و نقش آن در رفتارهای پرخطر انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که اختلال در روابط والدینی و عاطفی با فرزندان، میزان انحرافات جوانان و نوجوانان را در کشور افزایش داده است. در خانواده‌هایی که از لحاظ ارتباطات عاطفی در سطح بالایی قرار دارند، فرزندان از سلامت عمومی بیشتری نیز برخوردارند. ارتباطات ضعیف خانواده موجب هیجانات واکنشی همچون خشم، ترس، اندوه و برانگیختگی جسمی می‌شود.

رابینسون و والش^۱ (۱۹۹۴) در پژوهش خود با عنوان «عوامل شناختی مؤثر بر پیشگیری از مصرف مواد» نشان دادند نوجوانان و جوانانی که پیوسته از مواد اعتیادآور پرهیز نموده‌اند، خودکارآمدی بیشتری نسبت به دیگران داشته‌اند. افراد با خودکارآمدی بالا حتی با وجود موانع و پیامدهای منفی، پشتکار زیادی داشته، قادرند با ناکامی‌ها و ناامیدی‌ها بهتر کنار بیایند. اما افراد با خودکارآمدی پایین، با کوچک‌ترین بحران دچار اضطراب، ناامیدی و افسردگی شود در حالی که خودکارآمدی می‌تواند محافظی برای افراد باشد تا آنان را در مقابل مشکلات و مسائل زندگی توانمندتر سازد. زیمرمن^۲ (۱۹۹۵) در پژوهشی با عنوان «خودتنظیمی چیزی بیش از فراشناخت: یک دیدگاه شناختی اجتماعی»، به منابع تحول باورهای خودکارآمدی پرداخته و نشان داد که خودکارآمدی متأثر از روابط والدین با فرد است. هوانگ^۳ (۱۹۹۹) در پژوهشی که با عنوان «الگوهای ارتباطی خانواده و رشد خصوصیات شخصیتی» انجام داد تأثیر مستقیم عامل ارتباطات بین اعضای خانواده را بر بسیاری از سازه‌های شخصیتی و فردی تأیید کرد. بدین صورت که افراد خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت‌و شنود دیدگاه مثبت‌تری به خود دارند و موضوعات شخصی را بیش‌تر با دوستان خود در میان می‌گذارند و نسبت به خانواده‌هایی که بحث و گفتگو آزادانه در آن‌ها تشویق نمی‌شود، اجتماعی‌تر هستند. علاوه بر این افراد با جهت‌گیری هم‌نوایی تمایل به خجالت و کمرویی دارند و سطح عزت نفس آن‌ها پایین است. فیتزپاتریک^۴ (۲۰۰۴) در پژوهش خود تحت عنوان «مشاهداتی بر رشد و کاربرد نظریه الگوی ارتباطی خانواده» مطرح می‌کند که چگونگی برقراری تعادل بین تمایل نوجوانان برای استقلال از یک سو و تمایل والدین برای کنترل

1- Rabinson & Walsh

2- Zimmerman

3- Huang

4- Fitzpatrick

آن‌ها از سویی دیگر، نقش تعیین‌کننده‌ای در اجتماعی شدن مناسب نوجوانان دارد. این امر، نقش اساسی در کسب هویت و عزت نفس، حل مسئله و تصمیم‌گیری نوجوانان دارد. تات^۱ و همکاران (۲۰۰۸) هم در پژوهش خود با موضوع «نقش استرس و خودکارآمدی در پرهیز از مصرف مواد» دریافتند که خودکارآمدی پایین‌تر عود زودرس مصرف مواد و الکل را پیش‌بینی می‌کند. نورافشان و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر الگوهای ارتباطی خانوادگی بر تاب‌آوری نوجوانان ایرانی» به این نتیجه رسیدند که الگوهای ارتباطی پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای تاب‌آوری است. فتحیان دستگردی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «رابطه بین خودکارآمدی، مهارت کنار آمدن و مصرف مواد در نوجوانان: براساس مدل معادلات ساختاری» نشان دادند مدل مربوطه از برازش مناسبی برخوردار است و خودکارآمدی می‌تواند به طور قابل توجهی رفتار مصرف مواد را پیش‌بینی کند. بکر و افتانرهان^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی که با عنوان «تحلیل عاملی تأییدی در اندازه‌گیری الگوهای ارتباطات خانوادگی» انجام دادند به بررسی جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی پرداخته و به برازش مناسب مدل مربوطه دست یافتند که می‌تواند راهگشای تحقیقات آتی در خصوص نقش الگوهای ارتباطی خانواده باشد. چرچ^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در یک مطالعه کیفی با عنوان «راهکارهای مقابله‌ای و ساختارهای حمایت از خانواده‌های متأثر از اعتیاد» که در هند انجام دادند به تأثیر حمایت اجتماعی خانواده در ارتقاء خودکارآمدی فرزندان و پیشگیری از نوشیدن الکل به واسطه آن دست یافتند. اتیتسوغبه^۴ و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر سازگاری شغلی و خودکارآمدی در اشتغال‌پذیری و اهداف کارآفرینی ادراک شده در بین دانشجویان دانشگاه و افراد جویای کار در توگو» به نقش خانواده در پرورش خودکارآمدی افراد پرداختند و نشان دادند که عوامل زمینه‌ای مانند روابط بین فردی و خانوادگی، موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در بالا بردن سطح خودکارآمدی مؤثرند. همچنین، خودکارآمدی برای کنار آمدن با چالش‌ها یا وظایف مختلف ضروری است.

1- Tate

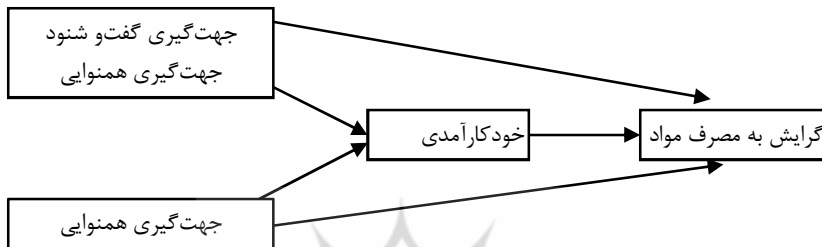
2- Bakar & Afthanorhan

3- Church

4- Atitsogbe

گرگلو^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر خودکارآمدی و استراتژی‌های مقابله‌ای بر انگیزه درمان افراد در روند کار گروه اعتیاد به مواد» نشان داد که خودکارآمدی بالا می‌تواند انگیزه درمان معتادین به مواد را پیش‌بینی کند. رودلف^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش «محافظت از جوانان در برابر اثرات سوء بزه‌دیدگی» به این نتیجه رسیدند که ارتباط خوب والدین با فرزندان، آنان را از بسیاری از خطرات و انحرافات حفظ می‌نماید.

مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با توجه به هدف تحقیق از نوع مطالعات کاربردی و از جهت روش گردآوری اطلاعات نیز روش پیمایشی بوده و از انواع طرح‌های همبستگی و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ و حجم نمونه ۳۵۰ نفر که با حذف پرسشنامه‌های ناقص، ۳۴۷ نفر بود و با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. برای اجرای پژوهش از ابزار تجدیدنظر شده الگوی ارتباطات خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) با ۲۶ گویه در طیف لیکرت ۵ تایی (۴ تا ۰) استفاده شد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ جهت‌گیری گفت‌و شنود ۰/۹۲ و جهت‌گیری همنوایی ۰/۹۴ به دست آمد. کورش نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) به منظور تعیین روایی این ابزار از روش‌های تحلیل عامل، همسانی درونی و روایی ملاکی استفاده کرده‌اند. بر اساس نتایج تحلیل عامل اکتشافی، ساختار عاملی مورد تأیید قرار گرفته و از محتوای این ابزار به شیوه مؤلفه‌های اصلی دو عامل

1- Gorgulu
2- Rudolph

جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوابی استخراج شده است. بررسی همسانی درونی نشان داده است که سؤالات مربوط به هر عامل با نمره کل آن عامل بیشترین همبستگی معنی‌دار را دارند. ضریب همبستگی عوامل جهت‌گیری گفت‌وشنود و جهت‌گیری هم‌نوابی با نمره کل به ترتیب برابر با ۰/۷۵ و ۰/۴۴ بود. همچنین، خرده مقیاس خودکارآمدی پرسشنامه لوتانز^۱ و همکاران (۲۰۰۷) با ۶ ماده و براساس طیف ۶ ارزشی لیکرت از ۱ (بسیار مخالفم) تا ۶ (بسیار موافقم) مورد استفاده قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ آن در این پژوهش، ۰/۸۲ محاسبه شد. رجایی و همکاران (۱۳۹۶) برای بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده نمودند که حاکی از برازش مطلوب شاخص‌ها بوده است. در نهایت، از مقیاس وید^۲ و همکاران (۱۹۹۲) با ۱۳ ماده استفاده شد که در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۸ به دست آمد. همچنین، حاجی حسنی و همکاران (۱۳۹۱) برای محاسبه روایی این مقیاس از دو روش استفاده کردند. در روایی ملاکی، دو گروه با آمادگی اعتیاد و بدون آمادگی اعتیاد را به خوبی از یکدیگر تمیز داده است. روایی سازه مقیاس هم از طریق همبسته کردن آن با مقیاس ۲۵ ماده‌ای فهرست علایم بالینی^۳ ۰/۴۵ محاسبه شده که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بوده است. سنجش پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ به شرح جدول ۱ محاسبه شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و آمار استنباطی (مدل‌یابی علی و روش تحلیل مسیر) به کمک نرم‌افزارهای SPSS 22 و لیزرل انجام شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Luthans Psychological Capital Questionnaire
2- Weed Addiction Acceptance Scale (AAS)
3- Symptom Checklist (SCL-25)

جدول ۱. پایایی پرسشنامه‌های پژوهش

ردیف	پرسشنامه	مولفه‌ها	آلفای کرونباخ
۱	الگوی ارتباطی خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰)	جهت‌گیری گفت‌وشنود	۰/۹۲
		جهت‌گیری همنوایی	۰/۹۴
۲	سرمایه روانشناختی لوتانز و همکاران (۲۰۰۷)	خودکارآمدی	۰/۸۲
۳	مقیاس پذیرش اعتیاد وید و همکاران (۱۹۹۲)	-	۰/۸۸

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش طبق جدول ۲ نشان می‌دهد که تعداد زنان و مردان شرکت‌کننده در پژوهش تقریباً برابر است و از نظر وضعیت تأهل، اکثر پاسخگویان یعنی ۸۸ درصد آنان مجرد بوده و همچنین، ۴۱ درصد از شرکت‌کنندگان در رده سنی ۲۱ تا ۲۲ سال هستند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه (N= ۳۴۷)

ویژگی	تعداد	درصد	
جنسیت	زن	۱۷۵	۵۱
	مرد	۱۷۲	۴۹
وضعیت تأهل	مجرد	۳۰۴	۸۸
	متأهل	۴۰	۱۱
	مطلقه	۳	۱
سن	۱۹ تا ۲۰	۷۳	۲۱
	۲۱ تا ۲۲	۱۴۱	۴۱
	۲۳ تا ۲۴	۷۶	۲۲
	۲۵ تا ۲۶	۲۵	۷
	بزرگتر از ۲۶	۳۲	۹

بررسی آمار توصیفی متغیرها مطابق جدول ۳ نشان داد که میانگین گرایش به مصرف مواد در دانشجویان در دامنه ۰ تا ۱ مقدار ۰/۳۷ به دست آمده است. میانگین جهت‌گیری گفت‌وشنود و جهت‌گیری همنوایی از متوسط نمرات یعنی ۲ کمی بیشتر و میزان خودکارآمدی از متوسط کمتر است.

جدول ۳. توصیف متغیرهای اصلی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
جهت‌گیری گفت‌وشنود	۲۶/۲	۸۲/۰
جهت‌گیری همنوایی	۱۶/۲	۱۹/۱
خودکارآمدی	۲۰/۲	۷۷/۰
گرایش به مصرف مواد	۳۷/۰	۳۳/۰

(ب) یافته‌های استنباطی

جهت بررسی پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک (همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری با لیزرل یا همان روش‌های کوواریانس محور) مطابق جدول ۴ از آزمون‌های کولموگوروف-اسمیرنوف و مقادیر کجی و کشیدگی استفاده شد. طبق نتایج بدست آمده، تمامی متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردار بودند ($p > 0.05$).

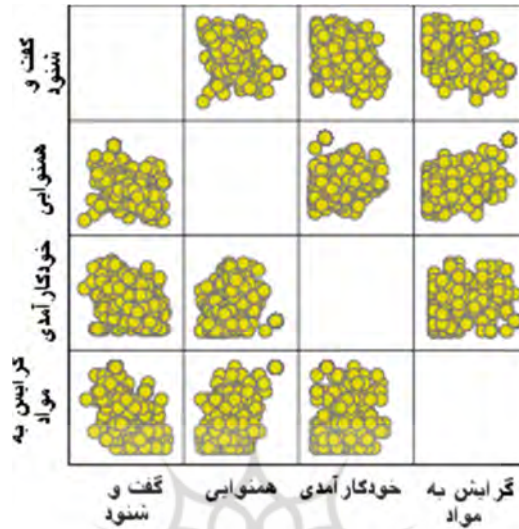
جدول ۴. مقادیر کجی و کشیدگی و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف جهت ارزیابی نرمال بودن متغیرهای اصلی

متغیر	معنی‌داری کولموگوروف-اسمیرنوف	کجی	کشیدگی
جهت‌گیری گفت و شنود	۱۷۸/۰	-۰۶۶/۰	-۸۳۱/۰
جهت‌گیری همنوایی	۱۱۲/۰	۸۲۵/۰	۰۰۱/۰
خودکارآمدی	۱۲۲/۰	۵۰۲/۰	-۳۳۰/۰
گرایش به مصرف مواد	۰۷۶/۰	۷۹۹/۰	-۷۰۱/۰

با استفاده از نرم افزار لیزرل به بررسی اعتبار پرسشنامه با استفاده از شاخص‌های بار عاملی، مقدار t ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده پرداخته‌ایم. نتایج نشان داد مقدار بارهای عاملی بدست آمده برای سوالات بیشتر از 0.40 بوده و در سطح معنی‌داری کمتر از 0.05 ($p < 0.05$) قرار دارند (تمامی مقادیر t بزرگتر از $1/96$ شده است).

برای بررسی خطی بودن رابطه، از نمودار پراکندگی استفاده شد. شکل ۲ نمودار پراکندگی بین متغیرها را نشان می‌دهد. با توجه به نمودارهای پراکندگی ارائه شده می‌توان گفت که نوع رابطه بین متغیرهای مستقل با میانجی و وابسته از نوع خطی است. روند نمودار نشان از وجود رابطه خطی بین بیشتر متغیرها دارد که برخی از روابط از نوع خطی مثبت و برخی از نوع خطی منفی است اما رابطه از نوع غیرخطی مانند

روابط منحنی مشاهده نمی‌شود. با توجه به خطی بودن رابطه بین متغیرها (در واقع عدم رابطه غیرخطی)، می‌توان با اطمینان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده کرد.



شکل ۲. ماتریس پراکندگی بین متغیرهای پژوهش

چون نتیجه آزمون نرمال بودن نیز نشان داد که توزیع متغیرها نرمال است، با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون روابط بین متغیرها آزمون شد. نتایج همبستگی در جدول (۵) آمده است. در این بخش اعتبار واگرایی متغیرها و پرسشنامه نیز بررسی شده است. جهت بررسی اعتبار واگرا از روش فورنل و لارکر استفاده شد که از نتایج جدول ۵ قابل استنتاج است. در این روش چنانچه جذر میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از مقدار همبستگی سازه با سازه‌های دیگر باشد به این معناست که اعتبار واگرا تأیید شده است. در جدول ۵ قطر اصلی مربوط به جذر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) است و سایر اعداد مربوط به همبستگی بین متغیرها است. همانطور که مشاهده می‌شود تمامی مقادیر جذر میانگین واریانس استخراج شده‌ی هر متغیر، بزرگتر از همبستگی آن متغیر با متغیرهای اصلی دیگر است و نشان‌دهنده تأیید اعتبار واگرا است. مطابق جدول ۵، نتایج همبستگی نشان داد که متغیر وابسته گرایش به مصرف مواد با تمامی متغیرهای پژوهش رابطه دارد ($p < 0.05$). جهت رابطه گرایش به مصرف مواد با جهت‌گیری همنوایی مثبت است که نشان می‌دهد افزایش جهت‌گیری همنوایی با

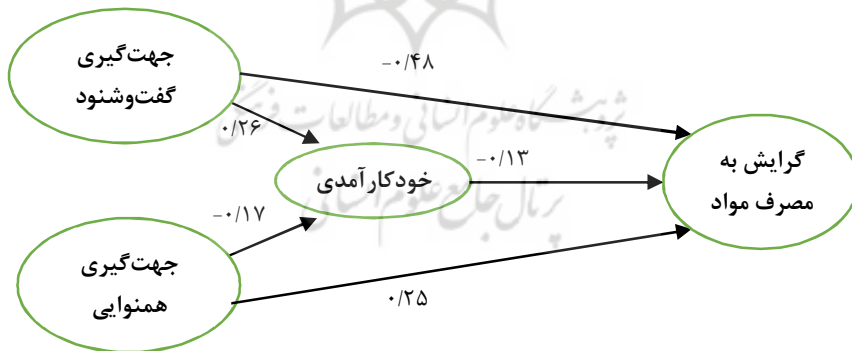
افزایش گرایش به مصرف مواد همراه است. بین گرایش به مصرف مواد با جهت‌گیری گفت‌وشنود و خودکارآمدی رابطه منفی وجود دارد. بدین معنی که با بالا رفتن جهت‌گیری گفت‌وشنود در خانواده و نیز افزایش خودکارآمدی فردی، گرایش به مصرف مواد کاهش می‌یابد. مقایسه شدت همبستگی‌ها نشان می‌دهد که گرایش به مصرف مواد قوی‌ترین همبستگی را با جهت‌گیری همنوایی با ضریب ۰/۵۹ دارد.

جدول ۵. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و اعتبار واگرا

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱. جهت‌گیری گفت‌وشنود	۶۶/۰			
۲. جهت‌گیری همنوایی	-۴۲/۰**	۷۶/۰		
۳. خودکارآمدی	-۱۲/۰*	-۱۶/۰**	۶۸/۰	
۴. گرایش به مصرف مواد	-۵۲/۰**	۵۹/۰**	-۱۲/۰*	۶۷/۰

$$** = p \leq 0.01 \text{ و } * = p \leq 0.05$$

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل آزمون شد. شکل (۳) مدل پژوهش را در حالت ضرایب استاندارد شده نشان می‌دهد. نتایج آزمون مدل در جدول (۶) ارائه شده است و جدول (۷) شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد.



شکل ۳. مدل تجربی پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

شاخص مجذور کای اسکوئر و معنی‌داری این شاخص در جدول ۶ گزارش شده است. در مجموع با ارزیابی تمامی شاخص‌های برازش (جدول ۶) می‌توان استنباط کرد که شاخص‌های برازش به‌دست‌آمده در مجموع نشان از برازش قابل قبول و مناسب

داده‌ها با مدل دارد و می‌توان برازش مدل را با توجه به شاخص‌های برازش به دست آمده قابل قبول دانست. شاخص‌های برازش جدول (۶) نشان از تأیید برازش مدل دارند. مجذور خی نسبی^۱ که نسبت مجذور خی به درجه آزادی است با نسبت ۲ به عنوان یک شاخص سرانگشتی نکویی برازش استفاده می‌شود (کالکوئیت^۲، ۲۰۰۱). در شاخص‌های مهم دیگر شامل NFI، CFI، GFI، IFI برازش ۰/۹ به بالا قابل قبول است. در شاخص‌های PGFI و AGFI بزرگتر از ۰/۰۵ قابل قبول بوده و شاخص میانگین مربعات خطای برآورد^۳ (RMSEA) بر اساس مقدار کمتر از ۰/۰۸ قابل قبول می‌باشد.

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌های برازش	χ^2/df	GFI	AGFI	IFI	PGFI	CFI	NFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۷۲/۲	۹۳/۰	۶۹/۰	۸۹/۰	۶۷/۰	۹۲/۰	۹۱/۰	۰۷۰/۰

در جدول (۷) نتایج آزمون مدل ساختاری گزارش شده است. نتایج آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان از تأیید روابط مدل دارد ($p < ۰/۰۵$). نتایج آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار لیزرل نشان داد که اثر متغیرهای مستقل جهت‌گیری گفت‌وشنود و جهت‌گیری همنوایی بر خودکارآمدی تأیید می‌شود ($p < ۰/۰۵$). مطابق نتایج، اثر مستقیم جهت‌گیری گفت‌وشنود، جهت‌گیری همنوایی و خودکارآمدی بر گرایش به مصرف مواد تأیید می‌شود ($p < ۰/۰۵$)؛ مطابق نتایج به دست آمده بیشترین اثر بر گرایش به مصرف مواد مربوط به جهت‌گیری گفت‌وشنود با ضریب $-۰/۴۸$ است. مطابق نتایج اثر جهت‌گیری گفت‌وشنود و خودکارآمدی بر گرایش به مصرف مواد منفی است و اثر جهت‌گیری همنوایی بر گرایش به مصرف مواد مثبت است.

جدول ۷. نتایج آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری (جدول ضرایب)

نوع رابطه	ضریب استاندارد شده	مقدار t	مقدار p	نتیجه
اثر جهت‌گیری گفت‌وشنود بر خودکارآمدی	۲۶/۰	۸۰/۵	< ۰۰۱/۰	تأیید
اثر جهت‌گیری همنوایی بر خودکارآمدی	-۱۷/۰	۹۸/۲	۰۰۴/۰	تأیید
اثر جهت‌گیری گفت‌وشنود بر گرایش به مصرف مواد	-۴۸/۰	۱۲/۸	< ۰۰۱/۰	تأیید
اثر جهت‌گیری همنوایی بر گرایش به مصرف مواد	۲۵/۰	۶۲/۵	< ۰۰۱/۰	تأیید
اثر خودکارآمدی بر گرایش به مصرف مواد	-۱۳/۰	۴۰/۲	۰۲۱/۰	تأیید

1- Normed χ^2 measure

2- Colquitt

3- Root-Mean-Square Error of Approximation

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر الگوی ارتباطی خانواده بر گرایش به مصرف مواد دانشجویان با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بوده است. نتایج نشان داد که مدل فرضی اولیه مورد تأیید بوده و از برازندگی مناسبی برخوردار است. باتوجه به برزش مدل می‌توان استنباط کرد که الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی بر گرایش به مصرف مواد دانشجویان تأثیر معناداری دارند. رابطه بین گرایش به مصرف مواد با جهت‌گیری هم‌نوایی مثبت و معنی‌دار است. جهت‌گیری هم‌نوایی بالا موجب افزایش گرایش به مواد مخدر می‌شود؛ فرزندان در خانواده‌هایی با هم‌نوایی بالا، برای غلبه بر آشفتگی‌های روانی خود نظیر افسردگی و اضطراب متأثر از ضعف ارتباطی و تعارضات بالا، گرایش به مصرف مواد پیدا می‌کنند. در واقع در چنین خانواده‌هایی از داشتن ارتباط باز و صمیمانه با رعایت سلسله مراتب در خانواده منع و بازداری شده و افراد به علت یادگیری مداوم هم‌نوایی و پذیرش بی‌چون‌وچرای عقاید دیگران و آموختن تقلید کورکورانه که بر خودکارآمدی و عزت‌نفس آنان نیز اثر سوئی داشته، بیشتر به سمت همسالان بزهکار کشیده شده و از آنان تأثیر می‌گیرند. بنابراین، همان‌طور که ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) در نظریه الگوهای ارتباطی خود بیان می‌دارند، خانواده‌هایی که بر همسانی عقاید و نگرش‌ها بدون تفکر و تأمل تأکید دارند و قانون حرف شنوی و اطاعت بدون پرسش در آن‌ها رواج یافته، بر استقلال و فردیت افراد لطمه وارد کرده، عزت‌نفس و خودکارآمدی فرزندان را با اختلال روبرو کرده و آنان را مستعد سلطه‌پذیری از دوستان و همسالان می‌نمایند. همین امر باعث می‌شود این افراد زودتر تسلیم خواسته‌های دیگران و فشارهای گروهی در خصوص تجربه مواد گردند. در نتیجه، حاکم بودن چنین الگوی ارتباطی در خانواده موجب افزایش گرایش فرزندان به مواد مخدر می‌گردند؛ که با پژوهش رودلف و همکاران (۲۰۲۰)، بکر و افتانرهان (۲۰۱۶)، فریور و میرهاشمی (۱۳۹۷)، رشیدی و همکاران (۱۳۹۵) و کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) مطابقت دارد. از سوی دیگر، رابطه بین جهت‌گیری هم‌نوایی با خودکارآمدی نیز منفی به دست آمد که نشان می‌دهد با افزایش فشار از سوی خانواده برای هم‌نوایی اعضاء، زمینه رشد شخصی فرزندان به دلیل سلطه بیش از حد والدین ایجاد نشده و فرزندان در این خانواده‌ها خودکارآمدی پایینی دارند که این مسئله

می‌تواند به طور غیرمستقیم نیز گرایش به مصرف مواد افراد را توجیه نماید. همان طور که در نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۲۰۰۱) یکی از منابع باورهای خودکارآمدی، تقویت، تشویق و تأییدهای والدین عنوان شده است؛ نقش والدین در تقویت خودکارآمدی یا کاهش آن بسیار اساسی است، در صورتی که والدین بجای ایجاد باور مثبت در فرد بر پذیرش مطلق دستورات تأکید نمایند، فرد در مواجهه با مشکلات خود را ناتوان یافته و هیچ تلاشی برای کسب موفقیت به کار نگرفته و خود را دارای کارآمدی و توانمندی به حساب نمی‌آورد و چنین ضربه‌ی جبران ناپذیری بر بدنه خودکارآمدی فرد، او را در برابر وسوسه‌های مصرف مواد نیز ناتوان می‌سازد. علاوه بر این، الگوی ارتباطی، میزان اعمال فشار، نحوه صحبت و قضاوت والدین در شکل‌گیری خودکارآمدی تأثیری به‌سزا داشته و افراد با خودکارآمدی پایین، برای کسب احساس قدرت و کفایت ظاهری، ممکن است به طرف مصرف مواد یا سایر رفتارهای سوء اخلاقی کشانده شوند و از این طریق، سعی کنند نسبت به رفع کمبودهای درونی، مبادرت ورزند. فرزندان در خانواده‌های دارای بُعد همنوایی قوی‌تر، باورهای منفی‌تری نسبت به توانمندی‌های خود دارند که به دنبال آن، شکست و ناامیدی بیشتری تجربه می‌کنند و زمینه برای گرفتار شدن در دام مصرف مواد مساعدتر می‌شود. همچنین، طبق نظریه زیمرمن (۱۹۹۵) نیز، ترغیب کلامی که یکی از منابع تحول باورهای خودکارآمدی است، معمولاً توسط والدین اعمال می‌شود و متأثر از روابط والدین با فرد است در نتیجه، همنوایی بالا بدون ایجاد رابطه سازنده و تبادل نظر و بحث، آسیبی بر خودکارآمدی وارد آورده و کاهش خودکارآمدی فرد موجب گرایش وی به مصرف مواد می‌شود. در صورتی که افراد با خودکارآمدی بالا حتی با وجود موانع و پیامدهای منفی، پشتکار زیادی داشته و قادرند با ناکامی‌ها و ناامیدی‌ها کنار بیایند (بندورا، ۲۰۰۱). در واقع، به میزانی که فرد خود را توانمند و کارآمد می‌داند گرایش به اعتیاد نیز در او کاهش می‌یابد. علاوه بر این، در صورت تأکید بر همنوایی در خانواده، فرزندان این باور را پیدا می‌کنند که توانایی رویارویی با مشکلات و رویدادهای ناگوار را ندارند چرا که والدین همیشه در این خانواده‌ها سعی کرده‌اند تصمیمات لازم را خود به طور مستقیم برای فرزندان اتخاذ کنند که این امر موجب کاهش خودکارآمدی و افزایش آسیب‌پذیری آنان می‌گردد. در پژوهش‌های مختلف از جمله اتیتسوگبه و همکاران (۲۰۱۹)، فتحیان دستگردی و

همکاران (۲۰۱۶)، نورافشان و همکاران (۲۰۱۳)، تات و همکاران (۲۰۰۸)، هوانگ (۱۹۹۹)، رابینسون و والش (۱۹۹۴) و رشیدی و همکاران (۱۳۹۵) رابطه منفی خودکارآمدی با گرایش به مصرف مواد و رفتارهای پرخطر تأیید شده است.

طبق نتایج این پژوهش، خانواده‌هایی که مباحثه و گفت‌و شنود در آن‌ها آزاد است و اعضای خانواده بدون هیچ‌گونه محدودیتی نظرات خود را بیان می‌کنند، فرزندان با گرایش کمتر به اعتیاد تربیت می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های بسیاری از جمله بکر و افتانرهان (۲۰۱۶)، رشیدی و همکاران (۱۳۹۵) و یحیی زاده (۱۳۸۸) همخوان است. فریور و میرهاشمی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود بر نقش مثبت جهت‌گیری گفت‌و شنود بر رفتارهای فرزندان اشاره داشته است. مطابق نظریه ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) در خانواده‌های با جهت‌گیری گفت‌و شنود، تمام اعضاء به شرکت آزادانه و راحت در تعامل تشویق شده و درباره طیف گسترده‌ای از مسائل به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. فعالیت‌ها، افکار و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. بنابراین، در چنین خانواده‌هایی به دلیل وجود ارتباط سازنده و به دور از تنش و تعارض و در جریان گفت‌وگویی صمیمانه، عوامل سلامت روان تأمین شده و فرد در برابر گرایش به مصرف مواد مقاوم می‌گردد. همچنین، جو حاکم بر این خانواده‌ها با ایجاد ارتباط سالم و مؤثر، فراهم آوردن امکان بحث و بیان آزادانه افکار و عقاید موجب می‌شود فرد احترام و حرمت بیشتری نسبت به خود و افکارش حس کرده، عزت‌نفس بالاتری در وی شکل بگیرد و باتوجه به احساس کارایی و توانمندی بیشتر، خودکارآمدیش نیز ارتقاء یابد. از طرف دیگر، افزایش عزت‌نفس و خودکارآمدی به صورت مقاومت در برابر استفاده از مواد در شرایط پرخطر بروز کرده و با کنترل مصرف مواد، موجب کاهش گرایش به مصرف مواد می‌گردد. درحالی که افراد با خودکارآمدی پایین، هنگام رویارویی با مشکلات از کوشش خود می‌کاهند و زود به راه‌حل‌های دست‌پایین تن می‌دهند (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۵) که همین امر موجب گرایش آنان به مصرف مواد می‌شود اما می‌توان خودکارآمدی را از طریق تأییدهای اجتماعی مناسب در خانواده، افزایش عزت‌نفس و بالا بردن کارایی شخصی با اثبات توانایی‌ها در بافت خانواده افزایش داد (چرچ و همکاران، ۲۰۱۸).

در نهایت می‌توان گفت نتایج معادلات ساختاری و ارزیابی تمامی شاخص‌های برازش در این پژوهش، نشان از برازش قابل‌قبول و مناسب داده‌ها با مدل داشت و می‌توان

برازش مدل را با توجه به شاخص‌های برازش به دست آمده قابل قبول دانست. بر همین اساس و با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد تلاش خانواده‌ها در جهت افزایش فرصت‌هایی برای گفت‌و شنود و مباحثه آزاد در محیط خانواده و عدم تأکید بیش از حد بر نگرش و عقاید همسان و هم‌نوایی اعضا، توجه ویژه خانواده و جامعه به افزایش خودکارآمدی به منظور افزایش حس رضایت و توانمند شدن افراد و بازنگری در شیوه‌های قدیمی و اجباری تربیت تأثیر بسزایی در کاهش گرایش به مصرف مواد دانشجویان خواهد داشت. علاوه بر این، پیشگیری از گرایش دانشجویان به مصرف مواد با استفاده از برنامه‌هایی برای کسب دانش و مهارت مقابله و مقاومت در برابر فشار میل به تجربه مواد، تقویت و افزایش خودکارآمدی میسر می‌گردد.

پیشنهادها

- جلسات آموزش خانواده در مراکز مشاوره، مراکز بهداشت، دانشگاه‌ها، مدارس و ... اجرا گردد و نحوه ایجاد الگوی ارتباطی سالم مبتنی بر گفت‌و شنود در خانواده آموزش داده شود تا با افزایش روابط مطلوب گفت‌وگومحور به جای روابط پذیرش کورکورانه و هم‌نوا محور، ویژگی‌های مثبت شخصیتی از جمله خودکارآمدی در جوانان افزایش یافته و بتوانند در برابر تمایلات نسبت به مصرف مواد از خود، مقاومت نشان داده، به سمت اعتیاد کشیده نشوند؛
- باتوجه به شیوع بالای مصرف مواد در بین دانشجویان، دوره‌های آموزشی آگاهی بخشی و توانمندسازی در دانشگاه‌ها برگزار شده و جوانان را با تقویت ویژگی‌های مقاومت در برابر اعتیاد، از افتادن در دام این بلای خانمان‌سوز مصون دارند. چرا که رویکرد آموزشی هم به لحاظ پیشگیری از مصرف و هم توانمندسازی افراد در نحوه عمل و رفتار موقعیت تنش‌زا مؤثر است؛
- از آنجا که نقش خودکارآمدی بالا در پیشگیری از گرایش به مصرف مواد کاملاً مشخص شده است، برنامه‌های آموزشی مناسب در سطح دانشگاه‌ها و مدارس در جهت افزایش و ارتقای خودکارآمدی جوانان اجرا شود تا افراد با احساس کارآمدی و توانمندی بیشتر، تسلیم فشار همسالان نشده و در برابر گرایش به مصرف مواد استقامت بیشتری بیابند؛

- با توجه به نقش پررنگ خانواده در تقویت و ارتقای خودکارآمدی به عنوان عامل مؤثر در جلوگیری از گرایش به مصرف مواد، خانواده‌ها با ایجاد الگوی ارتباطی مناسب در بین اعضا، به صرف وقت بیشتری با یکدیگر پرداخته، به مباحثه و گفت‌وگو در مورد مسائل مختلف میل و رغبت نشان دهند. تا فرزندان بجای پناه بردن به گروه‌های دوستانه پرخطر، اوقات فراغت خود را در محیط امن خانواده سپری نمایند؛

۵۱

- مسئولان و نهادهای اجرایی، با فراهم آوردن امکانات علمی، تفریحی، ورزشی و فرهنگی مناسب در بستر دانشگاه‌ها، به فعالیتهای دانشجویان و اوقات فراغت آنان سمت و سوی مفید و سالم دهند تا با افزایش رضایت از زندگی، گرایش به لذت‌های آنی ناشی از مصرف مواد در بین دانشجویان کاهش یابد.

تقدیر و تشکر

در پایان مراتب قدردانی و سپاس خود را از دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی که با پاسخگویی و تکمیل صادقانه پرسشنامه‌ها ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، اعلام می‌نماییم.



- ابوالقاسمی، عباس؛ دادفر، صدیف و نبی‌دوست، علیرضا (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش حل مساله اجتماعی بر خودکنترلی، خودکارآمدی و تکانشوری در دانش‌آموزان دارای استعداد اعتیاد. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۰(۳۹)، صص ۴۴-۳۱. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1170555/>
- امانی، حسن (۱۳۹۲). رابطه بین تاب‌آوری و سرسختی روان‌شناختی با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
- حاجی حسنی، مهرداد؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ پیرساقی، فهیمه و کیانی پور، عمر (۱۳۹۱). رابطه بین پرخاشگری، ابراز وجود و افسردگی با آمادگی به اعتیاد در دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۳(۳)، صص ۷۴-۶۵. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=175980>
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۲۰۱۹). قابل بازیابی از: [https://www.unodc.org/wdr2019\[online\]۱۳۹۸/۹/۲۰](https://www.unodc.org/wdr2019[online]۱۳۹۸/۹/۲۰)
- رجایی، اعظم؛ نادی، محمدعلی و جعفری، علیرضا (۱۳۹۶). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سرمایه روان‌شناختی مثبت در بین کارکنان ستادی آموزش و پرورش شهر اصفهان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۸(۳)، صص ۱۰۸-۹۴. قابل بازیابی از: http://jsr-p.khuisf.ac.ir/article_538047_d2168bef134d7ac9b38e5041212491a1.pdf
- رشیدی، علیرضا؛ حجت‌خواه، سید حسن؛ رسولی، آراس و جمعی، مهرداد (۱۳۹۵). رابطه علی استعداد اعتیاد از طریق طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سرمایه روان‌شناختی و نیازهای اساسی روان‌شناختی با میانجی‌گری الگوهای ارتباطی خانواده. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۰(۴۰)، صص ۶۴-۴۵. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1198009/>
- رضایی، نورمحمد؛ دلاور، علی؛ درتاج، فریبرز؛ سعدی پور، اسماعیل و ابراهیمی، صغری (۱۳۹۵). تأثیر مهارت‌های مقابله‌ای بر خودکنترلی و خودکارآمدی امتناع از رفتارهای پرخطر (مطالعه عوامل محافظت‌کننده رفتارهای پرخطر نوجوانان). فصلنامه علمی انتظام اجتماعی، ۸(۳)، صص ۲۴-۱. قابل بازیابی از: http://sopra.jrl.police.ir/article_۶۲۶۳۰.html#ar_info_pnl_cite
- سادوک، بنجامین جیمز؛ سادوک، ویرجینیا الکوت و رویز، پدرو (۲۰۱۵). خلاصه روان‌پزشکی. ترجمه رضاعی، فرزین، جلد دوم، تهران: انتشارات ارجمند.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۹۹). آخرین وضعیت نرخ شیوع اعتیاد و مصرف مواد در سطح کشور اعلام شد. روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر. قابل بازیابی از: [http://www.dchq.ir \[online\] ۱۳۹۹/۳/۴](http://www.dchq.ir [online] ۱۳۹۹/۳/۴)

- فتحی، آیت‌الله؛ رضایی، نورمحمد؛ موسوی‌فر، بابک و جلیز، رباب (۱۳۹۶). بررسی نقش ارزش‌های دینی خانواده در گرایش به اعتیاد نوجوانان و جوانان شهر تبریز. *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*، ۱۱(۲۷)، صص ۸۲-۶۸. قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1325990/>
- فریور، مژگان و میرهاشمی، مالک (۱۳۹۷). پیش‌بینی احتمال روی‌آوری مجدد به مصرف موادمخدر بر اساس تاب‌آوری و الگوهای ارتباطی همسران افراد معتاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۲(۴۶)، صص ۱۰۰-۸۷. قابل بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1387044/>
- کورش‌نیا، مریم و لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۱۲)، صص ۸۷۵-۸۵۵. قابل بازیابی از:
<https://www.magiran.com/paper/521125>
- متولیان، مهدی؛ دوکوشکانی، فریماه و یحیی‌زاده، سلیمان (۱۳۹۹). مقایسه نارضایتی جوانان از کیفیت ارتباط با پدر و مادر، و نقش آن در پیش‌بینی گرایش به سرقت، خشونت و خودکشی. *فصلنامه علمی انتظام اجتماعی*، ۱۲(۳)، صص ۲۶-۱. قابل بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_94651.html#ar_info_pnl_share
- محمدخانی، شهرام (۱۳۸۶). مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر: ارزیابی اثر مستقیم و غیرمستقیم عوامل فردی و اجتماعی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۱(۲)، صص ۱۴-۵. قابل بازیابی از:
<http://noo.rs/RYnmc>
- یحیی‌زاده، حسین (۱۳۸۸). تأثیر عوامل خانوادگی بر گرایش افراد به سومصرف مواد مخدر. *پژوهش اجتماعی*، ۲(۵)، صص ۱۴۲-۱۲۳. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=113182>
- Amato, P. R., & Fowler, F. (2002). Parenting practices, child adjustment, and family diversity. *Journal of marriage and family*, 64(3), 703-716. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2002.00703.x>
- Atitsogbe, K.A., Mama, N.P., Sovet, L., Pari, P., & Rossier, J. (2019). Perceived employability and entrepreneurial intentions across university students and job seekers in Togo: The effect of career adaptability and self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, 10, 180. Retrieved from:
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.00180>
- Avey, J. B., Luthans, F., Smith, R. M., & Palmer, N. F. (2010). Impact of positive psychological capital on employee well-being over time. *Journal of occupational health psychology*, 15(1), 17-28. Retrieved from:
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0016998>
- Bakar, A. A., & Afthanorhan, A. (2016). Confirmatory factor analysis on family communication patterns measurement. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 219, 33-40. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.04.029>

- Bandura, A. (1993). Perceived self-efficacy in cognitive development and functioning. *Educational Psychologist*, 28(2), 117-148. Retrieved from: https://doi.org/10.1207/s15326985ep2802_3
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. *Annual review of psychology*, 52(1), 1-26. Retrieved from: <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.52.1.1>
- Botvin, G. J. (2000). Preventing drug abuse in schools: Social and competence enhancement approaches targeting individual-level etiologic factors. *Addictive behaviors*, 25(6), 887-897. Retrieved from: [https://doi.org/10.1016/S0306-4603\(00\)00119-2](https://doi.org/10.1016/S0306-4603(00)00119-2)
- Church, S., Bhatia, U., Velleman, R., Velleman, G., Orford, J., Rane, A., & Nadkarni, A. (2018). Coping strategies and support structures of addiction affected families: A qualitative study from Goa, India. *Families, Systems, & Health*, 36(2), 216-224. Retrieved from: <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/fsh0000339>
- Colquitt, J. A. (2001). On the dimensionality of organizational justice: a construct validation of a measure. *Journal of applied psychology*, 86(3), 386-400. Retrieved from: <https://psycnet.apa.org/buy/2001-06715-002>
- Farnia, V., Afshari, D., Abdoli, N., Radmehr, F., Moradinazar, M., Alikhani, M., ... & Farhadian, N. (2020). The effect of substance abuse on depression, anxiety, and stress (DASS-21) in epileptic patients. *Clinical Epidemiology and Global Health*, 9, 128-131. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.cegh.2020.08.001>
- Fathiandastgerdi, Z., Eslami, A. A., Ghofranipour, F., Mostafavi, F., Ebrahimi, A. A. (2016). The relationship between self-efficacy, coping skill and substance use in adolescent: based on structural equation modeling. *Journal of Substance Use*, 21(3), 287-93. Retrieved from: <https://doi.org/10.3109/14659891.2015.1018973>
- Fitzpatrick, M. A. (2004). Family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family communication*, 4(3-4), 167-179. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/15267431.2004.9670129>
- Gorgulu, T. (2019). The effect of self-efficacy and coping strategies on treatment motivation of individuals in the substance addiction group work process. *Dusunen Adam The Journal of Psychiatry and Neurological Sciences*, 32(1), 33-42. Retrieved from: <https://dx.doi.org/10.14744/DAJPNS.2019.00005>
- Greń, J., Bobrowski, K., Ostaszewski, K., & Pisarska, A. (2019). Prevalence of psychoactive substance use among students attending youth correctional centres. *Alcoholism and Drug Addiction/Alkoholizm i Narkomania*, 32(4), 267-290. Retrieved from:

<https://doi.org/10.5114/ain.2019.94016>

- Huang, L. N. (1999). Family communication patterns and personality characteristics. *Communication Quarterly*, 47(2), 230-243. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/01463379909370136>
- Matherne, M. M., & Thomas, A. (2001). Family environment as a predictor of adolescent delinquency. *Adolescence*, 36(144), 610-655. Retrieved from: <https://search.proquest.com/docview/195941212?pq-origsite=gscholar&fromopenview=true>
- National Institute of Drug Abuse (NIDA) (2015). RFI Comments - Public Health. <https://www.drugabuse.gov/about-nida/strategic-plan/comments-nidas-strategic-plan-rfi/rficomments-public-health>. [online] [1399/3/14]
- Newman, A., Obschonka, M., Schwarz, S., Cohen, M., & Nielsen, I. (2019). Entrepreneurial self-efficacy: A systematic review of the literature on its theoretical foundations, measurement, antecedents, and outcomes, and an agenda for future research. *Journal of Vocational Behavior*, 110, 403-419. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2018.05.012>
- Noorafshan, L., Jowkar, B., & Hosseini, F. S. (2013). Effect of family communication patterns of resilience among Iranian adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 900-904. Retrieved from: https://www.researchgate.net/profile/Leaila_Noorafshan/publication/275542196_Effect_of_Family_Communication_Patterns_of_Resilience_among_Iranian_Adolescents/links/564833c208aef646e6cfeada.pdf
- Razali, M. M., & Kliewer, W. (2015). Risk and protective factors for recreational and hard drug use among Malaysian adolescents and young adults. *Addictive behaviors*, 50, 149-156. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2015.06.022>
- Robinson, S. M., & Walsh, J. (1994). Cognitive factors affecting abstinence among adolescent polysubstance abusers. *Psychological reports*, 75(1), 579-589. Retrieved from: <https://doi.org/10.2466%2Fpr0.1994.75.1.579>
- Rudolph, K. D., Monti, J. D., Modi, H., Sze, W. Y., & Troop-Gordon, W. (2020). Protecting youth against the adverse effects of peer victimization: why do parents matter? *Journal of abnormal child psychology*, 48(2), 163-176. Retrieved from: <https://link.springer.com/article/10.1007/s10802-019-00576-9>.
- Tate, S. R., Wu, J., McQuaid, J. R., Cummins, K., Shriver, C., Krenek, M., & Brown, S. A. (2008). Comorbidity of substance dependence and depression: Role of life stress and self-efficacy in sustaining abstinence. *Psychology of Addictive Behaviors*, 22(1), 47-57. Retrieved from: <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-164X.22.1.47>
- Zimmerman, B. J. (1995). Self-regulation involves more than metacognition: A social cognitive perspective. *Educational psychologist*, 30(4), 217-221. Retrieved from: https://doi.org/10.1207/s15326985ep3004_8



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی